

بیان ما تشریح زیارتہ وما لا تشریح زیارتہ
مع مساجد المدینة النبویة

بیان آنچه از مساجد مدینه زیارت آن جایز و غیر جایز است

تهیه

لجنة دائمی افتاء و بحثهای علمی

و بدنبال آن فصلی در احکام زیارت و آداب مدینه نبوی خواهد آمد

تألیف: علامه عبد العزیز بن باز رحمته الله

ترجمه: إسحاق بن عبد الله دبیری العوضی

۱۴۲۷/۱۳۸۵ هـ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فتوای شماره (۱۹۷۲۹) صادره در مورخه‌ی ۱۴۱۸/۶/۲۷ هـ.ق.

الحمد لله وحده والصلاة والسلام على من لا نبي بعده. وبعد:

لجنة دائمی افتا و بحثهای علمی سؤالی دریافت کرد که مستفتی بنام م. ا. ع پاسخ آنرا از مفتی کل [عربستان] خواسته بود، فتوای یاد شده به شماره‌ی ۱۸۳۷ مورخه ۱۴۱۸/۳/۳۰ بود و اینک عین سؤال، که جواب آنرا از حضرتعالی خواهانم.

۱- حکم شریعت اسلامی در مورد کسیکه به مدینه‌ی منوره می‌آید تا در مسجد شریف نبوی به اقامه‌ی نماز بپردازد. بعد به مسجد قبا، و مسجد قبلتین، و مسجد جمعه، و مساجد المصلی (مسجد الغمامه، و مسجد الصدیق، و مسجد علی رضی الله عنه) و غیر اینها از مساجد اثری (مساجدی که بعنوان آثار صدر اسلام برجای مانده‌اند) می‌رود و در آنها دو رکعت نماز تحیه المسجد می‌خواند. آیا این کار برای او جایز است؟

۲- فرد زائر بعد از زیارت مسجد نبوی فرصت را غنیمت می‌شمارد تا به بقیه‌ی مساجد اثری برود به نیت اینکه از تاریخ سلف صالح اطلاع حاصل کند و در آن تأمل بورزد و عملاً به تطبیق آنچه در کتب و نوشته‌جات دیده بپردازد و از اماکن تاریخی محل غزوات و مساکن قبایل و ... از [اماکن] انصار اطلاع حاصل کند. لطفاً بفرمایید حکم این اعمال چگونه است؟

لجنة افتا بعد از تحقیق پیرامون این مطلب، چنین جواب داد.

جواب این دو سؤال، مقتضی بیان و تفصیل آتی است.

۱- مساجد موجود در مدینہ منورہ - خداوند آن را حفظ و محروس بدارد - بر چند نوع هستند.

نوع اول: مسجدهای که فضل بخصوصی برای آنها ذکر شده است این نوع، دو مسجد بیش نیستند.

۱- مسجد النبی: که به طریق اولی حکم این آیه که خداوند می فرماید: ﴿لَمَسْجِدٍ

أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ

أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ﴾. (التوبه: ۱۰۸). بر این مسجد انطباق دارد.

بی گمان مسجدی که (از ابتدا) بر پرهیزگاری بنا نهاده شده شایسته تر است که تو در آن اقامت گزینی، در آن مردانی وجود دارند که دوست دارند خود را پاک و پاکیزه گردانند و خداوند خود پاکیزه نگهدارندگان را دوست دارد.

مسجد النبی دومین مسجدی است که اجازه تہیہی اسباب سفر جهت زیارت آن داده شده است، چنانکه این مطلب در سنت به ثبوت رسیده، همچنان در سنت صحیح و صریح آمده که ثواب یک نماز در مسجد النبی معادل هزار نماز در سایر مساجد - بجز مسجد الحرام - است.

دومی مسجد قباء است در مدح آن در قرآن آمده: ﴿لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى

التَّقْوَىٰ﴾. مسجدی که از اساس بر پرهیزگاری بنا نهاده شده است.

از اسید بن ظہیر انصاری رضی اللہ عنہ از رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم: «صلاة في مسجد قباء كعمرة» ثواب

یک نماز در مسجد قبا مثل ثواب یک عمره است». (الترمذی و ابن ماجہ و غیرهما).

از سهل بن حنیف رضی اللہ عنہ از رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم: «مَنْ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ أَتَى مَسْجِدَ قِبَاءٍ فَصَلَّى فِيهِ صَلَاةً كَانَ لَهُ أَجْرُ عُمْرَةٍ». (أحمد والنسائي وابن ماجه وغيره ولفظ از ابن ماجه).

هر کس در خانه‌ی خویش وضو بگیرد بعد به مسجد قبا بیاید و نمازی در آن بخواند همچون این است که یک عمره انجام داده باشد.

نوع دوم: سایر مساجد مسلمانان واقع در مدینہ، این مساجد همچون بقیه مساجدانند و از فضل خاصی برخوردار نیستند.

نوع سوم: مسجدی بنا شده در جهتی یا مکانی که ثابت شده رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم در آن جهت و مکان نماز خوانده است. یا اینکه مسجد در عین مکان نماز رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم واقع است، مانند مسجد بنی سالم یا مکانی که رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم در آنجا نماز عید می‌خواند، این نوع مساجد فضل خاصی ندارند و ترغیب و تشویقی جهت قصد آنها و ادای دو رکعت در آنها نیامده است.

نوع چهارم: مساجد بدعتی مستحدثه، و نسبت داده شده به عصر رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم و عصر خلفای راشدین، که امروزه به مزار تبدیل شده و قداست خاصی یافته‌اند، مانند مساجد هفتگانه، و مسجدی در کوه أُحُد و غیر اینها، این مساجد اصلی در شریعت مطهر اسلامی ندارند و قصد آنها به منظور عبادت و زیارت و ... درست نیست، بلکه بدعت است چرا که اصل شرعی بر این است که جز خدا را پرستش نکنیم، و عبادت خدا را جز به روشی که خود دستور فرموده و مقرر نموده انجام ندهیم، آنهم طبق آنچه بر زبان رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم آمده است برای این مطلب هم مراجعه به قرآن و سنت و کلام سلف صالح امت، لازم است آنهایی که این دین را از رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم دریافت کرده و به

ما ابلاغ نموده و ما را از بدعت برحذر داشته‌اند و امر پیغمبر مژده دهنده و بیم دهنده را به جای آورده که می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ»^۱.
 در روایت دیگری آمده «مَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ»^۲.
 و فرموده «عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي، وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ مِنْ بَعْدِي، عَضُّوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِذِ، وَإِيَّاكُمْ وَمُحَدَّثَاتِ الْأُمُورِ، فَإِنَّ كُلَّ مُحَدَّثَةٍ بَدْعَةٌ، وَكُلُّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ»^۳.
 و فرموده: «اقْتَدُوا بِاللَّذِينَ مِنْ بَعْدِي: أَبِي بَكْرٍ، وَعُمَرَ»^۴.

رسول الله در جواب خواسته کسانی که از وی خواستند درختی برایشان قرار دهد تا بدان تبرک بجویند و اسلحه‌های خود را بر آن آویزان کنند فرمود:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، إِنَّهَا السُّنَنُ، قُلْتُمْ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ كَمَا قَالَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ لِمُوسَى ﴿أَجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ﴾»^۵ [الأعراف: ۱۳۸].

و فرمودند: «افْتَرَقَتِ الْيَهُودُ عَلَى إِحْدَى وَسَبْعِينَ فِرْقَةً، وَافْتَرَقَتِ النَّصَارَى عَلَى ثَلَاثِينَ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً وَسَفَّتْ رِقُ هَذِهِ الْأُمَّةُ عَلَى ثَلَاثِ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً كُلُّهَا فِي النَّارِ إِلَّا

^۱ - هر کس عملی انجام دهد که امر ما بر آن نباشد آن عمل مردود است.

^۲ - هر کس در امر ما این (دین) چیزی اضافه کند که جزو آن نیست آن چیز مردود است.

^۳ - بر شما است از سنت من و سنت خلفای راشدین پس از من پیروی کنید آن را با دندان بگیرید و شما را از امور محدثه و بدعت برحذر می‌دارم چرا که هر محدثی بدعت و هر بدعتی گمراهی است.

^۴ - به دو نفر بعد از من ابوبکر و عمر اقتدا کنید و آنها را الگو قرار دهید.

^۵ - این همان سنت گذشتگان است قسم به آنکس که جانم در دست اوست چیزی را گفتید که قوم بنی اسرائیل به موسی گفتند «خدایانی برای ما قرار بده چنانکه برای آنها خدایانی است».

واحدة، قیل: مَنْ هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «مَنْ كَانَ عَلَى مِثْلِ مَا أَنَا عَلَيْهِ الْيَوْمَ وَأَصْحَابِي»^۱.

ابن وضاح در کتاب «البدع والنهی عنها» ص ۹ به نقل از ابن مسعود رضی اللہ عنہ گوید: عمرو بن عتبه و تنی چند از یارانش مسجدی در پشت کوفه بنا نهادند. عبدالله دستور داد این مسجد ویران شود. بعد خبر یافت که آنها در قسمتی از مسجد کوفه جمع می‌شوند و تسیحات مخصوصی انجام می‌دهند، تهلیل و تکبیر می‌گویند. برنس (عبا یا جامعه کلاه دار) را پوشید و به میان جمع آنان رفت وقتی فهمید چه می‌گویند برنس را از سر خود برداشت و گفت من ابو عبدالرحمن هستم آیا شما در علم از یاران پیغمبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم پیشی گرفته‌اید، یا ظالمانه بدعتی آفریده‌اید؟ آری نامبرده و غیر او مردم را از بدعت آفرینی برحذر داشته و آنها را به پیروی از روش سلف دعوت کرده‌اند.

مشهور است که عمر رضی اللہ عنہ درختی را که رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم زیر آن از یارانش در «بیعت الرضوان» بیعت گرفته بود قطع کرد. و وقتی دید که برخی از اصحاب به زیر آن می‌روند. پرسید این مردم به کجا می‌روند؟ عرض شد، می‌روند در مکانی که رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم در راه رفتن به حج در آنجا نماز خوانده نماز می‌خوانند. خشمگین شد و گفت: اقوام قبل از شما تنها بدین علت گرفتار هلاکت شدند که بدنبال آثار پیغمبرانشان می‌گشتند.

^۱ - یهودیان به ۷۱ فرقه متفرق شدند، مسیحیها نیز به ۷۲ گروه تقسیم گشتند این امت نیز به ۷۳ فرقه تقسیم خواهند گشت همگی در آتش جهنم هستند جز یک فرقه، عرض شد ای رسول الله این فرقه کدام است؟ فرمود: گروهی که من و یارانم امروز بر آن هستیم.



معلوم است که هدف از بنای مساجد جمع نمودن مردم در آنها بقصد عبادت است و این نوع اجتماعی در شریعت مطلوب و پسندیده است، اما وجود مساجد سبعه در یک مکان این مقصد را تحقق نمی‌بخشد بلکه وسیله‌ی افتراق - که با مقاصد شریعت منافات دارد - است همچون مساجدی بقصد ایجاد اجتماع میان مسلمانان بوجود نیامده‌اند، چون خیلی به همدیگر نزدیکند. تنها به قصد تبرک جستن از آنها بوسیله‌ی نماز و دعا در آنها، تأسیس گردیده‌اند و این امر بدعتی آشکار است.

و اما نامگذاری این مساجد بنام «مساجد سبعه» هیچ سند تاریخی ندارد بلکه ابن زباله اولین کسی بوده که نام مسجد الفتح را بر زبان آورده است او هم نزد رجال حدیث به کذاب مشهور است که در آخر صدی دوم فوت کرده. بعد از او ابن شیه تاریخ نویس، این نام را ذکر کرده است، و معلوم است که تاریخ نویسان اهتمام چندانی به سند و صحت حوادثی که ذکر می‌کنند نمی‌دهند، تنها آنچه را که شنیده‌اند و به آنان رسیده نقل می‌کنند، و آن را به کسی نسبت می‌دهند که از او شنیده‌اند. چنانچه ابن جریر در تاریخش چنین می‌گوید. خلاصه هیچ سند شرعی برای نامگذاری این مساجد، یا یکی از آنها - به این اسامی - وجود ندارد.

اصحاب بزرگوار توجه خاصی به نقل اقوال و افعال پیامبر ﷺ نشان می‌دادند، و هر عملی را از رسول الله ﷺ می‌دیدند، - حتی چگونگی رفتن به دستشویی - نقل می‌کردند، گفته‌اند رسول الله ﷺ هر هفته یکبار به مسجد قبا می‌آمد و در آنجا نماز می‌خواند، و قبل از وفاتش بر شهادی اُحُد اقامه‌ی نماز کرد، گویی با ایشان خداحافظی کرد، و موارد بسیاری دیگر، که لابلای کتب را پر کرده است اما در مورد اصل نامگذاری این مساجد حافظان و تاریخ‌نویسان بحث کرده و سخن گفته‌اند علامه‌ی سمهودی

گوید: پیرامون هیچ یک از این نامگذاریها به اصلی دست نیافته‌ام. و بعد از سخن از موضوع دیگر می‌گوید: من برای این نامگذاری بر اصلی توقف پیدا نکرده‌ام، مطری نیز راجع به دو مسجد سابق الذکر سخنی ندارد. شیخ الاسلام ابن تیمیہ رحمۃ اللہ علیہ گوید: در اینجا مقصود این است: که صحابه و تابعین بالاحسان ایشان بر آثار پیغمبران مانند مکان نشستن و نماز خواندن و انجام کار و ... آنها مسجدی بنا نکرده‌اند، حتی قصد انجام چنین کاری را هم نداشته‌اند.

حتی پیشوایان و بزرگان اصحاب چون عمر بن خطاب رضی اللہ عنہ از قصد مکانی جهت اقامه‌ی نماز در آن نهی می‌کردند. گویند: عمر و سایر اصحاب چون خلفای راشدین، عشره مبشره و غیر آنان، چون ابن مسعود و معاذ بن جبل و ابی بن کعب و ... قصد همچون اماکنی را - جهت اقامه‌ی نماز در آن - نمی‌کردند، شیخ الاسلام در ادامه‌ی بحث خود می‌گوید: مساجد فراوانی در مدینہ وجود دارد که در قصد کردن آنها به منظور ادای نماز و کسب ثواب فضلی غیر از مسجد قباء وجود ندارد، و اما مسجدهای که روی قبور ساخته شده‌اند همگی جزو بدعت‌های مستحدثه‌اند، و جزو افعال کسانی هستند که روح شریعت اسلام، و کمال توحید موجود در بعثت محمد صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، و اخلاص دین برای خدا، و سرّ دوری گزیدن ابواب شرک را - که شیطان بر روی انسان‌ها باز می‌کند - درک نکرده‌اند.

شاطبی رحمۃ اللہ علیہ در کتابش الاعتصام نقل کرده که، عمر چون دید گروهی از مردم به مسجدی در جای که رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم در آنجا نماز خوانده بود، می‌روند: گفت: «اقوام قبل از شما بدین علت گرفتار هلاکت شدند که بدنبال آثار پیغمبرانشان می‌گشتند و در آنجا کنیسه و معابد می‌ساختند» همچنین شاطبی گوید: ابن وضاح گفته است: امام مالک

هر بدعتی را مذموم و بد می دانست، هر چند خیر و زیبا می نمایاند، تا آنچه که جزو سنت نیست، سنت تلقی نشود، و غیر معروف مشروع تلقی نگردد ...

شاطبی در جای دیگر گوید: از ابن کنانه در مورد آثار برجای مانده از صدر اسلام در مدینه سؤال شد گفت: ثابتترین آنها نزد ما مسجد قباء است... همچنین ثابت شده که عمر رضی الله عنه درختی را - که رسول الله صلی الله علیه و آله زیر آن از مردم بیعت گرفته بود - و مردم به قصد تبرک و زیارت به زیر آن می رفتند و در آنجا نماز می خواندند قطع کرد تا باعث ایجاد فتنه نشود. عمر بن شبه در [اخبار المدینه] و العینی در [شرح البخاری] مساجد فراوانی ذکر کرده اند و نامی از مساجد سبعه [به این نام] نبرده اند.

این توضیح مختصر کافی است تا ثابت کند که سندی از سلف راجع به مساجد سبعه در دست نیست، حتی آنچه که بنام مسجد فتح وجود دارد و ابوالهیجاء وزیر عبیدیه - که مذهبشان معروف است - بسیار بدان توجه کرده، در نزد سلف اسمی از آن نیامده است. از آنجا که امروزه افراد زیادی بقصد زیارت به این مساجد روی می آورند و در آنها نماز می خوانند و به آنها تبرک می جویند و بسیاری بواسطه‌ی آنها در دام گمراهی گرفتار شده اند، اعلام می داریم که قصد کردن این مساجد برای نماز در آن بدعت، و ابقاء آنها با مقاصد شریعت و اوامر پیغمبر مبعوث به اخلاص در عبادت، در تضاد است، و سنت به ازاله‌ی آنها حکم می کند. چرا که رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده: «مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ».

هرکس عملی انجام دهد که امر ما بر آن نباشد، عملش مردود است.

بنابراین ازاله‌ی این مساجد جهت دفع فتنه و سدّ ذریعه‌ی شرک و حفاظت از عقیده پاک و خالص توحیدی مسلمانان، و حمایت از جناب توحید، واجب است. و از باب

اقتدا به خلیفه راشد امیرالمؤمنین عمر بن خطاب رضی اللہ عنہ که درخت الحدیبه را قطع کرد، چون دید مردم به قصد زیارت و تبرک به زیر آن می‌روند تا از وقوع آنان در فتنه جلوگیری کند. و بیان کرد که امتهای پیشین به سبب تقدس قایل شدن برای آثار برجای مانده از انبیا (که بدان مأمور نشده‌اند) گرفتار هلاکت شدند. زیرا این عمل تشریح است و خداوند اجازه‌ی آنرا برای هیچ احدی صادر نفرموده است پایان کلام شاطبی در الاعتصام.

ثانیاً: از آنچه گذشت معلوم می‌شود که روی آوردن مردم به مساجد سبعة و غیر آنها از مساجد مستحدثه، خواه به قصد آشنایی با آثار، یا تعبد و مسح کردن دیوارهای آن و تبرک به آنها، بدعت است و نوعی از اعمال شرک مشابه عمل کفار در جاهلیت اولی می‌باشد که در مقابل بتها انجام می‌دادند. لذا بر هر مسلمانی که خواهان تهذیب و پاکسازی نفس خویش باشد، واجب است این عمل را ترک کند، و مسلمانان را به ترک آن نصیحت نماید.

ثالثاً: از توضیحات فوق روشن می‌گردد که آنچه بعضی از افراد ضعیف النفس در راستای تشویق زائران به زیارت این مساجد انجام می‌دهند و از آنها مبالغه‌نگفتی بعنوان کرایه، در مقابل راهنمایی و هدایت آنان بسوی این اماکن بدعت زا دریافت می‌کنند، عملی است حرام، و مالی که در مقابل این راهنمایی دریافت می‌شود تزوقی است حرام، و مرکب بر فاعل آن واجب است ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ﴿۲﴾﴾

وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ ﴿۳﴾. (الطلاق: ۲-۳).

هرکس از خدا بترسد خداوند مخرجی برایش قرار می‌دهد و او را از راهی روزی می‌رساند که اصلاً گمان آن را نمی‌برد و حسابی برای آن نمی‌کرد.

والله الموفق

وصلی اللہ علی نبینا محمد وآلہ صحبہ وسلم

اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء

رئیس

عبد العزیز بن

عبد اللہ بن بار

عضو

صالح بن فوزان الفوزان

نایب رئیس

عبد العزیز بن عبد اللہ

ابن محمد آل الشیخ

عضو

عبد اللہ بن عبد الرحمن

الغدیان

عضو

بکر بن عبد اللہ ابوزید

فصلی: درباره‌ی زیارت و احکام و آداب آن

زیارت مسجد پیغمبر - قبل از مراسم حج یا بعد از آن - سنت است چون در صحیحین (بخاری و مسلم) آمده که ابوهریره رضی الله عنه گوید، رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده است: «صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي هَذَا خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ صَلَاةٍ فِيمَا سِوَاهُ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ». [متفق علیه].
یک نماز در مسجد من ثوابش برابر هزار نماز در سایر مساجد جز مسجد الحرام است.

از ابن عمر رضی الله عنهما منقول است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي هَذَا أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ صَلَاةٍ فِيمَا سِوَاهُ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ». [رواه مسلم]. و از عبدالله بن زبیر رضی الله عنه گوید: رسول خدا فرمود: «صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي هَذَا أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ صَلَاةٍ فِيمَا سِوَاهُ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ، وَصَلَاةٌ فِي مَسْجِدِ الْحَرَامِ أَفْضَلُ مِنْ مِائَةِ صَلَاةٍ فِي مَسْجِدِي هَذَا»
أَخْرَجَهُ أَحْمَدُ وَابْنُ خَزِيمَةَ وَابْنُ حَبَانَ مِنْ جَابِرٍ رضی الله عنه

یک نماز در مسجد من این، بهتر است از هزار نماز در سایر مساجد جز مسجد الحرام، و یک نماز در آن برابر صد نماز در مسجد من است.

و در روایت جابر با اختلاف اندکی با روایت قبل آمده است: «صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي هَذَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاةٍ فِيمَا سِوَاهُ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ وَصَلَاةٌ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَفْضَلُ مِنْ مِائَةِ أَلْفِ فِيمَا سِوَاهُ». [أحمد وابن ماجه].

یک نماز در مسجد من بیشتر از هزار نماز در سایر مساجد - جز مسجد الحرام - است و یک نماز در مسجد الحرام معادل یکصد هزار نماز در سایر مساجد است.
و احادیث فراوان در این زمینه وجود دارد.

وقتی که زایر به مسجد رسید سنت است پای راست را وارد مسجد کند و بگوید
 «بِسْمِ اللَّهِ وَالصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَيُوجِّهُ الْكَرِيمِ وَسُلْطَانِهِ
 الْقَدِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ».

چنانکه به هنگام وارد شدن به هر مسجدی سنت است این دعا را بخواند و دعای
 مخصوصی برای زیارت مسجد النبی ﷺ وجود ندارد.

ترجمه: بنام خدا، درود و سلام بر رسول خدا، به خداوند عظیم و روی گرامی [که
 لایق جلالش است] و قدرت قدیم و ازلی او پناه می‌برم از شر شیطان طرد شده،
 پروردگارا درهای رحمت خویش را بر من بگشا.

بعد دو رکعت نماز سنت می‌خواند و بعد از آنها دست دعا و راز و نیاز با خداوند
 به سوی آسمان بلند می‌کند و برای خیر دنیا و آخرت خویش دعا می‌کند و اگر این نماز
 را در حوزه‌ی روضه شریفه بخواند افضل است چون رسول الله ﷺ فرموده است: «ما
 بَيْنَ بَيْتِي وَمَنْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ».

فاصله‌ی میان خانه و منبر من باغی از باغهای بهشت است.

بعد از اتمام دو رکعت نماز به زیارت قبر رسول الله ﷺ و دو رفیقش ابوبکر و
 عمر رضی الله عنهما می‌پردازد. رو به سوی قبر پیامبر رضی الله عنه می‌ایستد و با صدای پایین می‌گوید
 «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ». سنن ابوداود به اسناد صحیح.

سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد ای رسول الله.

از ابوهریره رضی الله عنه گوید رسول الله ﷺ گفت: «ما مِنْ أَحَدٍ يُسَلِّمُ عَلَيَّ إِلَّا رَدَّ اللَّهُ عَلَيَّ
 رُوحِي حَتَّى أَرُدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ» و اگر زایر در سلامش بگوید «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا نَبِيَّ اللَّهِ،
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ، وَإِمَامَ الْمُتَّقِينَ، أَشْهَدُ

أَنْكَ قَدْ بَلَّغْتَ الرِّسَالَةَ، وَأَدَّيْتَ الأَمَانَةَ، وَنَصَحْتَ الأُمَّةَ، وَجَاهَدْتَ فِي اللهِ حَقَّ جِهَادِهِ»
هیچ اشکالی ندارد.

ترجمه: احدی بر من سلام نمی‌کند مگر اینکه خداوند روح مرا به من باز می‌گرداند تا جواب سلام او را بدهم... سلام بر تو ای پیغمبر خدا، سلام بر تو ای بهترین مخلوق خدا، سلام بر تو ای پیشوای پیغمبران، و امام پرهیزکاران، گواهی می‌دهم که تو رسالت خود را ابلاغ، و امانت خود را ادا، و امت را نصیحت و در راه حق به بهترین شیوه جهاد کردی.

لازم به ذکر است که گفتن این کلمات هیچ اشکالی ندارد چون همه‌ی این اوصاف در رسول خدا ص وجود دارند، و فرد زایر با این کلمات بر رسول خدا ص درود می‌فرستد و برای او دعا می‌کند و در شریعت مقرر است که جمع میان صلاه و سلام بر او جایز است چون خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۶].

ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود و سلام بفرستید.
بعد بر ابوبکر و عمر سلام می‌کند و برای آنها دعا و طلب رضوان می‌نماید.
عبدالله بن عمر رضی الله عنهما به هنگام سلام بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و دو رفیقش غالباً از این صیغه تجاوز نمی‌کرد. «سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای ابوبکر، سلام بر تو ای پدر»
بعد برمی‌گشت. قابل توجه اینکه، زیارت قبور تنها برای مردان مشروع و جایز است، و زیارت قبرها (هیچ قبری) برای زنان جایز نیست چون در حدیث آمده است «لَعْنَةُ زَوَارَاتِ الْقُبُورِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْمُتَخَذِينَ عَلَيْهَا الْمَسَاجِدَ وَالسُّرُجَ» نفرین خدا بر زنان

زیارت کننده‌ی قبور و بر کسانی که مساجد روی آنها می‌سازند و آنها را چراغانی می‌کنند.

اما قصد مدینه، به نیت ادای نماز در مسجد رسول الله ﷺ و خواندن دعا در آنجا و امثال این امور از اعمالی که در همه‌ی مساجد جایز و مشروع است، برای مردان و زنان مشروع و جایز است چون احادیث صحیحه در این زمینه وجود دارد چنانچه گذشت. برای زائر سنت است نمازهای پنجگانه را در مسجد رسول الله ﷺ بخواند و با استفاده از فرصت فراهم شده ذکر و دعا و نماز سنت فراوان انجام دهد چون در این اعمال اجر فراوان وجود دارد.

سنت است که فرد زائر در روضه‌ی شریفه نماز سنت فراوان بخواند زیرا در فضل آن احادیث صحیح آمده است که ذکرش رفت از جمله «ما بَيْنَ بَيْتِي وَمِنْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ» مکان و فاصله‌ی میان منزل و منبرم باغی از باغهای بهشت است.

اما نمازهای واجب برای افراد زائر و غیر زائر حکم دیگری دارد و آن اینکه باید به سوی آن بشتابند و در حد توان سعی کنند در صف اول جای بگیرند زیرا ثواب بیشتر در هر چه زودتر به مسجد آمدن و در جای خود مستقر شدن است و ترغیب بر صف اول در احادیث صحیح آمده است مانند فرموده پیغمبر ﷺ «لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي النِّدَاءِ وَالصَّفِّ ثُمَّ لَمْ يَجِدُوا إِلَّا أَنْ يَسْتَهْمُوا عَلَيْهِ لَاسْتَهْمُوا عَلَيْهِ». [متفق علیه].

اگر مردم می‌دانستند در اذان و قرار گرفتن در صف اول چه ثوابی وجود دارد بعد چاره‌ای جز قرعه کشی نمی‌یافتند، حتماً روی آن اقدام به قرعه کشی می‌نمودند.

و خطاب به اصحاب فرمود: «تَقَدَّمُوا فَأَتَمُّوا بِي، وَلِيَأْتِمَّ بِكُمْ مِنْ بَعْدِكُمْ وَلَا يَزَالُ الرَّجُلُ يَتَأَخَّرُ عَنِ الصَّلَاةِ حَتَّى يُؤَخَّرَهُ اللَّهُ». [مسلم].

به جلو بیایید به من اقتدا کنید، و آنهاییکه بعد از شما می آیند به شما اقتدا کنند، و انسان هرچه بیشتر نماز را به تأخیر می اندازد تا اینکه خداوند نیز، او را به تأخیر خواهد انداخت.

ابوداود به سند صحیح از عایشه رضی الله عنها روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «لا يزال الرجل يتأخر عن الصف المتقدم حتى يؤخره الله في النار». مرد همواره از صف اول عقب می ماند تا به جای می رسد که خداوند او را در آتش به تأخیر خواهد انداخت (مهلت زمان طولانی در آن خواهد ماند).

و از رسول الله صلی الله علیه و آله به ثبوت رسیده که به اصحابش می فرمود: «ألا تصفون كما تصف الملائكة عند ربها» قالوا يا رسول الله وكيف تصف الملائكة عند ربها؟ قال: «يتمون الصفوف الأول ويتراصون في الصف». [رواه مسلم].

آیا همچون ملائکه که در خدمت پروردگارشان صف می بندند به صف نمی شوید. عرض شد ای رسول الله ملائکه نزد پروردگارشان چگونه به صف می شوند، فرمود: صف اول را تمام می کنند و در صف محکم به هم پیوسته می شوند.

احادیث در این زمینه فراوانند و شامل مسجد رسول صلی الله علیه و آله و غیر آن می شوند، از پیغمبر صلی الله علیه و آله به ثبوت رسیده که یاران خود را به طرف راست صفها تشویق می کرد و معلوم است که منظور از طرف راست صف در مسجد او مکانی است خارج از روضه با توجه به این معلوم است که، توجه کردن به صف اول و طرف راست صفوف مقدم بر توجه به روضه شریفه است و محافظت بر این دو مکان (جهت ادای نماز در آنها) مقدم بر محافظت بر نماز در روضه است و این امر برای کسیکه در احادیث وارد شده در این زمینه تأمل ورزد بس روشن و واضح است.

و توفیق تنها از سوی خدا.

هیچ احدی حق ندارد به هنگام زیارت مسجد رسول الله ﷺ حجره (محل دفن رسول الله ﷺ) را مسح کند یا ببوسد یا به طواف آن برخیزد چون چنین اعمالی از سلف نقل نشده است بلکه بدعتی است منکر.

همچنین برای هیچ احدی جایز نیست حاجتی از رسول الله ﷺ درخواست کند، یا از وی بخواهد بلای از او دفع نماید، یا مریضی شفا دهد یا ... چون چنین چیزهای جز از خدا، از هیچ احدی طلب نمی شوند، و درخواست این امور از مردگان شرک بخدا تلقی، و عبادت برای غیر خدا محسوب می گردد... و این در حالی است که دین اسلام بر دو اصل بنا نهاده شده است.

۱- هیچ احدی - غیر از خدا - نباید مورد پرستش واقع گردد.

۲- عبادت خدا باید طوری ادا شود که خدا و رسول ﷺ آنرا مشروع و جایز دانسته اند.

و معنای شهادتین «أشهد أن لا إله إلا الله وأن محمداً رسول الله» همین است.

همچنین برای هیچ احدی جایز نیست شفاعت را از رسول الله ﷺ طلب کند. [مثل اینکه بگوید: ای رسول الله، یا ای شیخ فلان، فلان کس یا چیز را شفیع من قرار ده] چون شفاعت ملک خدا است، و جز از او خواسته نمی شود، چنانکه خداوند متعال

می فرماید: ﴿قُلْ لِلَّهِ الشَّفَعَةُ جَمِيعًا﴾. [الزمر: ۴۴].

بگو شفاعت با همه ی انواع و اقسامش تنها مخصوص خداوند است.

پس باید به هنگام شفاعت خواهی بگویی: «اللَّهُمَّ شَفِّعْ فِيَّ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ شَفِّعْ فِيَّ مَلَائِكَتِكَ وَعِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ، اللَّهُمَّ شَفِّعْ فِيَّ أَفْرَاطِي».

خداوندا پیغمبرت را در حق من شفیع قرار بده، خداوندا ملائکه‌های خود را در حق من شفیع قرار بده، بندگان مؤمنت را در حق من شفیع قرار بده، خداوندا ضایعات و نوزادهای از دست رفته را شفیع من قرار بده.

و اما مردگان: بهیچ وجه چیزی از ایشان درخواست نمی‌شود نه شفاعت نه غیر آن، خواه پیغمبران باشند یا غیر پیغمبران، چون این عمل مشروع نیست و عمل اموات و مردگان قطع گردیده مگر در مواردی که شرع استثنا کرده است.

و در صحیح مسلم به روایت از ابوهریره رضی الله عنه آمده است که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «إِذَا مَاتَ ابْنُ آدَمَ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ: صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ، أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ».

اگر فرزند آدم از دنیا رفت عملش قطع می‌گردد مگر در سه مورد، صدقه‌ی جاریه، علمی که نفعش ادامه می‌یابد و فرزند صالح که برای او دعا می‌کند.

طلب شفاعت از پیغمبر صلی الله علیه و آله تنها در زمان حیات مبارک او و در روز قیامت جایز است. چون در این دو حالت بر آن قدرت دارد و می‌تواند از خداوند بخواهد خواسته‌ی او را برآورد، در دنیا معلوم است و مخصوص رسول الله صلی الله علیه و آله نیست بلکه برای پیغمبر و غیر او عمومیت دارد، مسلمان می‌تواند به برادر مسلمان خود بگوید در مورد فلان چیز و فلان چیز نزد خداوند برایم شفاعت کن (یعنی برایم دعا کن) و شخص می‌تواند خواسته او را از خدا بخواهد و برای برادرش شفاعت کند اما به شرطی که شیئی خواسته شده جزو مسائلی باشد که خداوند آنها را مباح کرده است.

اما در روز قیامت هیچ احدی حق شفاعت ندارد مگر به اذن خداوند چنانکه می فرماید: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ﴾. [البقره: ۲۵۵].

چه کسی (بخود جرئت می دهد) نزد او شفاعت کند مگر به اذن و اجازه ی او. و اما حالت مرگ: مرگ یک حالت ویژه است که مقایسه ی آن با حال انسان قبل از مرگ، و با حالت بعد از زنده شدن جایز نیست چون در حالت مرگ عمل فرد مقطوع است و شخص در گرو اعمال خویش است، مگر در چند مورد که شارع آنها را مستثنی فرموده که بعد از مرگ نیز مرده را سود می رسانند و قطع نمی شوند، اما معلوم است که طلب شفاعت از مردگان جزو مستثنیات شارع نیست، و ملحق نمودنش به این موارد جایز نمی باشد. البته هیچ شکمی در این نیست که رسول ﷺ بعد از مرگ، و در حیات برزخی هم، از حیاتی برتر از حیات شهدا برخوردار است، اما این حیات از جنس حیات قبل از مرگ و بعد از زنده شدن نیست، حیاتی است که حقیقت و کیفیت آن را جز خداوند هیچ احدی نمی داند از این روست که در حدیث شریف آمده است: «مَا مِنْ أَحَدٍ يُسَلِّمُ عَلَيَّ إِلَّا رَدَّ اللَّهُ عَلَيَّ رُوحِي حَتَّى أَرُدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ».

هیچ احدی بر من سلام نمی کند مگر اینکه خداوند متعال روح مرا به سوی (جسم) باز می گرداند تا جواب سلام او را بدهم.

این حدیث بوضوح دلالت می کند که رسول الله ﷺ مرده است و روحش از بدنش جدا شده، اما روحش به بدن بازگردانده می شود، نصوص دال بر مرگ او در قرآن و سنت معلوم و امری است متفق علیه میان اهل علم. اما این امر مانع از حیات برزخی او نمی شود چنانکه مرگ شهید مانع از حیات برزخی او نمی شود در قرآن کریم آمده است

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ﴾. [آل عمران:

[۱۶۹].

گمان مبر آنها را که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند، بلکه آنها زنده هستند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

بدین سبب سخن در این زمینه را بسط دادیم چون نیاز بدان فراوان است و افراد بسیاری از این باب در اشتباه واقع می‌شوند، و دعوت به شرک و عبادت مردها می‌نمایند. از خداوند متعال خواهانیم ما و جمیع مسلمانان را از هر چه مخالف شرع است محفوظ نماید. والله اعلم.

اما آنچه که برخی از زائران انجام می‌دهند مانند بلند کردن صدا و طول دادن قیام در کنار قبر رسول الله ﷺ خلاف شرع است، چون خداوند متعال مسلمانان را از بانگ برآوردن، و صدا را فوق صدای رسول الله ﷺ بلند کردن منع فرموده است و به آنها دستور می‌دهد صدای خود را در حضور او پایین آورند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن كَحَبَطٍ عَمَلِكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿۲﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَغْضُونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَىٰ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ

عَظِيمٌ ﴿۳﴾. [الحجرات: ۲-۳].

ای کسانی که ایمان آورده‌اید صدای خود را بلندتر از صدای پیغمبر در نیاورید و به تندی با وی حرف نزنید مانند حرف زدن برخی از شما با برخی، نکند اعمالتان هدر

رود و شما متوجه نشوید. آنهاييکه صدای خود را نزد رسول الله ﷺ پایین می‌آورند کسانی هستند که خداوند دل‌های آنان را برای تقوا امتحان کرده است برای ایشان هست مغفرت و اجری بس بزرگ.

و اما نهی از طول دادن ایستادن در کنار روضه‌ی مطهره و تکرار سلام در کنار آن، باعث ازدحام جمعیت و کثرت سر و صدا و ارتفاع اصوات در کنار قبر او ﷺ می‌شود و این امر مخالف روشی است که خداوند برای مسلمانان در آیات گذشته بیان داشته است، زیرا او در حال مرگ و زنده بودن شایسته‌ی احترام است، لذا برای مسلمان جایز نیست در کنار قبر او عملی انجام دهد که مخالف ادب اسلامی تلقی شود.

آنچه که برخی از زائران انجام می‌دهند مانند دعا در کنار قبر و رو به آن، و دست بلند کردن بهنگام دعا، خلاف عملکرد سلف صالح، اصحاب و پیروان به نیکوی ایشان است بلکه جزو بدعت بشمار می‌رود. رسول الله ﷺ فرموده است: «عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ مِنْ بَعْدِي، تَمَسَّكُوا بِهَا، وَعَضُّوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِدِ، وَإِيَّاكُمْ وَمُحَدَّثَاتِ الْأُمُورِ فَإِنَّ كُلَّ مُحَدَّثَةٍ بَدْعَةٌ، وَكُلُّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ». (أخرجه أبو داود والنسائي باسناد صحیح).

بر شماست سنت من و سنت خلفای راشدین مه‌دیین پس از مرا پیروی کنید، با دندان بر آن گاز بگیرید و شما را از امور محدثه (بدعتها) برحذر می‌دارم زیرا هر محدثی بدعت، و هر بدعتی گمراهی است و می‌فرماید: «مَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ». [متفق علیه].

هر کسی در امر ما این (دین) چیزی (بدعتی) بیافریند که از آن نیست آن چیز مردود است.

و در روایت دیگری از مسلم آمده است: «مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ» هر کس عملی انجام دهد که امر ما بر آن نباشد، آن عمل مردود است.

علی بن حسین موسوم به زین العابدین رضی اللہ عنہ مردی را در کنار قبر رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم مشاهده کرد که مشغول دعا بود او را از این عمل بازداشت و گفت: گوش کن حدیثی را برایت بازگو کنم که آنرا از پدرم او هم از جدم. او هم از رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم شنیده است رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فرمود: «لَا تَتَّخِذُوا قَبْرِیْ عِیدًا، وَلَا بُیُوتَکُمْ قُبُورًا، وَصَلُّوا عَلَیَّ، فَإِنَّ سَلَامَکُمْ یُبَلِّغُنِیْ أَيْنَمَا کُنْتُمْ». أخرجه الحافظ محمد بن عبدالواحد المقدسی فی کتابه «الاحادیث المختاره».

قبر مرا بعنوان عید (مکانی که پی یا پی به زیارت گرفته شود) مگیرید، و خانه‌های خود را به قبر تبدیل نکنید، و بر من درود و سلام بفرستید، که هر جا باشید درود شما به من خواهد رسید.

آنچه برخی از زائران به هنگام ادای سلام بر رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم انجام می‌دهند مانند قرار دادن دست راست بر چپ روی سینه، یا زیر آن مانند حالت نماز خواندن، این هیئت بهنگام سلام بر او جایز نیست، و همچنین ادای چنین حرکاتی به هنگام سلام بر بزرگان و پادشاهان جایز نمی‌باشد، چون شکل و هیئت ذلت و خضوع و عبادت را می‌نمایاند که جز برای خدا جایز نیست. چنانکه حافظ ابن حجر رحمته اللہ علیہ در «فتح الباری» به نقل از علما بر این مطلب تأکید ورزیده است، و این مطلب برای اهل تأمل و دقت واضح و روشن است، و هدف او تبعیت از هدایت سلف صالح بوده است. لیکن کسیکه تحت تأثیر تعصب و پیروی از هوا و تقلید کورکورانه، و سوءظن نسبت به دعوتگران به سوی روش سلف صالح، واقع شود. از خداوند خواهانیم او را هدایت و توفیق عنایت

کند و ایثار حق بر او را برای او و خودمان خواهانیم چرا که او (سبحانه و تعالی) بهترین کسی است که باید از او درخواست شود.

همچنین آنچه برخی از انسانها انجام می‌دهند مانند ادای سلام بر سول الله ﷺ از دور، و تحریک لبها به هنگام سلام و دعا، همه‌ی اینها داخل بدعت و مستحذات است، و هیچ مسلمانی حق ندارد چیزی را بر دین خویش بیفزاید که خداوند بدان اجازه نداده است، و در صورت افزون آن، از جفا و خیانت نزدیکتر است تا موالات و صفا. امام مالک رحمته الله این اعمال و امثال آنرا انکار کرده و می‌گوید «آخر این امت تنها بوسیله‌ی چیزی اصلاح می‌شود که ابتدا و اول آن بدان اصلاح شده است».

و آنچه که روشن و معلوم است اینکه، سیر و حرکت بر برنامه پیغمبر و خلفای راشدین و اصحاب بزرگوار و تابعین به احسان آنان باعث اصلاح این امت گشت. هم اکنون نیز اصلاح حال امت در گرو حرکت بر این راه و تمسک به آن است.

خداوند مسلمانان را بسوی چیزی که سعادت و عزت و نجاتشان در دنیا و آخرت، در آن است هدایت و توفیق بدهد، او کریم و بخشنده است.

آگهی:

زیارت قبر پیغمبر ﷺ واجب نیست، و یکی از شروط (صحت) حج به حساب نمی‌آید، چنانکه بعضی از افراد عوام و شبه عوام چنین پنداشته‌اند، بلکه زیارت آن برای کسیکه به زیارت مسجد النبی ﷺ آمده باشد یا محل سکونتش نزدیک آن باشد سنت است.

اما کسیکه در مکانی دور از مدینہ سکونت دارد حق تهیه وسایل سفر بقصد زیارت قبر را ندارد. بلکه سنت است بقصد زیارت مسجد شریف وسایل سفر آماده کند، و ضمن زیارت مسجد، به زیارت قبر پیغمبر ﷺ و دو رفیقش اقدام کند، چون در صحیحین (بخاری و مسلم) آمده است که رسول الله ﷺ فرموده: «لَا تُشَدُّ الرَّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثِ مَسَاجِدَ: الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَسْجِدِي هَذَا وَالْمَسْجِدِ الْأَقْصَى».

وسایل سفر به قصد زیارت تهیه نمی‌شود مگر به سوی سه مسجد، مسجدالحرام و مسجد من و مسجد الاقصی.

و اگر تدارک گرفتن به قصد زیارت قبر او و سایر اشخاص جایز می‌بود، قطعاً امت را بسوی آن راهنما و هدایت می‌کرد، و فضل آن را به آنها تذکر می‌داد چون معلوم است که رسول الله ﷺ ناصحترین مردم، و عالمترین آنها به خدا بود و از همه‌ی آنها بیشتر از خدا می‌ترسید، او ﷺ مأموریت خود را بصورت آشکار و روشن ابلاغ کرد، و امت را به سوی همه نیکیها دعوت، و از کلیه‌ی بدیها برحذر داشت. چرا چنین نباشد در حالیکه او امت را از تدارک گرفتن جهت زیارت بسوی غیر مساجد سه گانه منع کرده و فرموده است: «لَا تَتَّخِذُوا قَبْرِي عِيداً وَلَا يُبۡوَتُكُمْ قُبُوراً وَصَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّ صَلَاتِكُمْ تُبَلِّغُنِي حَيْثُ كُنْتُمْ».

قبر مرا به [محل برگزاری] عید نگیرید و خانه‌های خود را به قبر تبدیل نکنید و بر من درود بفرستید، درود شما به من می‌رسد در هر جا باشید.

قول به مشروع بودن تدارک گرفتن برای زیارت قبر رسول الله ﷺ منجر به، به عیدی گرفتن آن، و واقع شدن محذوری که رسول الله ﷺ ما را از آن منع کرده می‌شود. محذوری که رسول الله ﷺ از آن خوف داشته است مانند مبالغه در شأن او، و بسیاری از مردم به سبب تدارک گرفتن برای سفر به زیارت قبر او گرفتار این محذور گشته و سفر به قصد زیارت قبر او را مشروع دانسته‌اند. که در واقع ممنوع و بدعت است.

اما احادیثی که در این باب روایت و بدانها احتجاج می‌شود - که گویا تدارک سفر بقصد زیارت قبر پیغمبر ﷺ جایز است - احادیثی هستند از نظر سند ضعیف - بلکه موضوع‌اند و حافظان حدیث چون دارقطنی و بیهقی و ابن حجر و غیر اینها بر ضعف آنها تأکید ورزیده‌اند. لذا معارضه احادیث صحیحی دال بر تحریم تدارک برای زیارت قبور بوسیله‌ی این روایتهای جعلی و ضعیف صحیح نیست.

خواننده بزرگوار: اینک به قصد اطلاع و آگاهی شما گوشه‌ای از این روایات جعلی را ذکر می‌کنیم تا آنها را بشناسی و از استدلال بدانها خودداری ورزی.

۱- (من حج ولم یزرنی فقد جفانی).

هر کسی حج کند و به زیارت من نیاید در حق من جفا کرده است.

۲- (من زارنی بعد مماتی فکأنما زارنی فی حیاتی).

کسیکه مرا بعد از مرگم زیارت کند مانند این است که در حال حیات مرا زیارت کرده باشد.

۳- (من زارني وزار أبي إبراهيم في عام واحد ضمنت له على الله الجنة).

کسیکه من و پدرم ابراهیم را در یک سال زیارت کند بهشت را برای وی بر خدا تضمین خواهم کرد.

۴- (من زار قبري وجبت له شفاعتي).

هر کس قبر مرا زیارت کند شفاعت من برای او واجب خواهد شد.

هیچ یک از این احادیث و امثال آنها از رسول الله ﷺ به ثبوت نرسیده‌اند.

حافظ ابن حجر در کتاب (التلخیص) بعد از ذکر اکثر این روایات گوید: راههای

ورود همه‌ی این احادیث ضعیف است.

حافظ عقیلی گوید: در این باب حدیث صحیحی وجود ندارد.

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمته الله به قاطعیت گفته است همه‌ی این احادیث موضوع هستند، و معلوم است که او از نظر وسعت علم و اطلاع و حافظ بودن از چه جایگاهی برخوردار بوده و در چه مکانی قرار داشته است.

و اگر یکی از این احادیث به ثبوت می‌رسید قطعاً اصحاب بزرگوار در عمل بدان بر ما پیشی می‌گرفتند و آنرا برای امت توضیح و تبیین می‌نمودند و به سوی آن دعوت می‌کردند زیرا آنها بعد از پیغمبران بهترین انسانها و عالمترین آنها به حدود خدا و شرع او بوده، و ناصحترین آنها برای مخلوقات خدا بوده‌اند. با این وصف از هیچ یک از آنها چنین عملی نقل نشده است و این دلیل بر غیر مشروع بودن آن است و اگر فرضاً یکی از آنها از نظر صحت به ثبوت می‌رسید حمل بر زیارت مشروع - که تدارک در آن وجود ندارد - می‌شد تا میان احادیث وارده جمع و توفیق بوجود آید. و سبحانه و تعالی أعلم.

فصلی: در استحباب زیارت مسجد قبا و بقیع

برای کسیکه به زیارت مدینہ می‌رود سنت است به زیارت مسجد قبا برود و در آن نماز بخواند چون در صحیحین بنقل از ابن عمر رضی اللہ عنہما آمده است گوید: «كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَزُورُ مَسْجِدَ قُبَاءَ رَاكِبًا وَمَاشِيًا وَيُصَلِّي فِيهِ رَكْعَتَيْنِ».

رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم مسجد قبا را سوار و پیاده زیارت می‌کرد و در آن نماز می‌خواند. از سهل بن حنیف رضی اللہ عنہ گوید: رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم فرموده: «مَنْ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ أَتَى مَسْجِدَ قُبَاءَ فَصَلَّى فِيهِ صَلَاةً كَانَ لَهُ كَأَجْرِ عُمْرَةٍ».

کسیکه در خانه‌ی خویش وضو بگیرد بعد به مسجد قبا بیاید و در آن نمازی بخواند اجری مانند اجر یک عمره برایش خواهد بود.

برای زیارت کننده سنت است که به زیارت قبرهای بقیع و قبور شهدا و قبر حمزه رضی اللہ عنہ برود، چون پیغمبر صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم به زیارت آنها می‌رفت و برای آنها دعا می‌کرد رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم می‌فرماید: «زُورُوا الْقُبُورَ فَإِنَّهَا تُدَكِّرُكُمْ الْآخِرَةَ». [أخرجه مسلم].

به زیارت قبرها بروید زیرا زیارت آنها قیامت را به یاد شما می‌آورد.

رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم اصحاب بزرگوار را تعلیم می‌داد که به هنگام زیارت قبور بگویند. «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ سُئِلَ اللَّهُ لَنَا وَلَكُمْ الْعَافِيَةَ». (أخرجه مسلم من حديث سليمان بن بريدة عن أبيه).

سلام بر شما اهل مملکت و دیار، از ایمان‌داران و مسلمانان، و ما ان شاء الله به شما پیوست خواهیم شد عافیت را برای خودمان و شما از خداوند خواهانیم.

ترمذی از ابن عباس رضی اللہ عنہما نقل می کند که رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم از کنار گورستان مدینه عبور کرد رو به آنها ایستاد و گفت: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ يَعْفِرُ اللَّهُ لَنَا وَلَكُمْ أَنْتُمْ سَلَفُنَا وَنَحْنُ بِالْآثَرِ».

«سلام بر شما ای اهل گورستان خداوند ما و شما را ببخشد، شما پیشینیان ما، و ما به دنبال شما».

از این احادیث معلوم است که زیارت شرعی قبور آن است که به قصد یادآوری قیامت و احسان به مردگان رساندن، و دعا برای آنها و ترحم بر آنها باشد. زیارت قبرها بقصد دعا نزد آنها (یا از آنها) و زانو زدن در مقابل آنان و خواستن نیازها و شفای امراض از آنان و جاه و مقام آنها را واسطه قرار دادن و ... بدعت، و از منکرات، و خدا و پیغمبر آنرا جایز ندانسته و سلف صالح انجامش نداده اند. بلکه این نوع زیارت جزو هجری است که رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم از آن نهی فرموده است. آنجا که گوید: «زُورُوا الْقُبُورَ، وَلَا تَقُولُوا هَجْرًا».

به زیارت قبرها بروید ولی از سخنان زننده خودداری ورزید.

همه‌ی این امور در بدعت بودن مجتمع هستند اما با هم مساوی نیستند بعضی بدعت‌اند ولی شرک نیستند، مانند دعا و نیایش از خداوند در کنار قبرها، و طلب امور از خدا بحق مردگان و جاه آنها و امثال اینها. و برخی از آنها هم علاوه بر بدعت شرک اکبر تلقی می‌شوند مانند دعا از مردگان و استعانه از ایشان و امثال این امور.

بیان این امور بصورت مفصل قبلاً توضیح داده شد، پس آگاه باش و بر حذر باش (ای برادر مسلمان) و از پروردگارت توفیق هدایت بسوی حق بخواه، چون تنها او

هدایت کننده و توفیق دهنده است، و هیچ خدایی جز او، و پروردگاری سوای او وجود ندارد.

این مطلبی بود که خواستیم آن را املا کنیم.

الحمد لله أولاً وأخراً.

وصلی الله وسلم علی عبده ورسوله وخیرته من خلقه محمد وعلی آله وأصحابه، ومن تبعهم بإحسان إلى یوم الدین.

برای ارتباط با مترجم می‌توانید به آدرس زیر تماس بگیرید:

السعودیة: الرياض - الرمز البريدي: (١١٧٥٧) ص. پ: (١٥٠١٠٣)

www.aqeedeh.com